

**احمد محمد تبریزی** آزادسازی خرمشهر در تاریخ دفاع مقدس یک حماسه بزرگ به شمار می‌رود. پس از آزادسازی این شهر دشمنان حساب دیگری روی رزمندگان باز کردند و جنگ سرنوشته دیگری پیدا کرد. سوم خرداد ۱۳۶۱ یک روز تاریخی برای مردم ایران است. روزی که بهترین جوانان ایران برای آزادی و جیب به جیب خاک کشور شان خونشان ریخته شد و اجازه ندادند ذره‌ای از این خاک در اشغال دشمن بماند. سردار جمشید تخم‌افشان از نیروهای اطلاعات عملیات تیپ ۴۶ فجر در کنار دیگر نیروها نقش مهمی در آزادسازی خرمشهر داشت. هر چند او به خاطر مجروحیت در مرحله سوم عملیات بیت‌المقدس، سوم خرداد در خرمشهر حاضر نشد ولی از نزدیک خونشان ریخته شد و تلاش‌های فرماندهان و رزمندگان به منظور پیروزی در این عملیات بزرگ بود. تخم‌افشان به واسطه مسئولیتش ارتباط نزدیکی با شهید حسن باقری و دیگر فرماندهان داشت و بر نقش تأثیرگذار شهید باقری تأکید می‌کند. این جانباز دفاع مقدس در گفت‌وگویش با «جوان» کار بزرگی که انجام شد را تشریح می‌کند و از نقش مهم رزمندگان در عملیات بیت‌المقدس می‌گوید.

شما یکی از نیروهای اطلاعات عملیات بودید. توضیح دهید قبل از تشکیل اطلاعات عملیات به‌دست شهید باقری وضعیت جبهه‌ها به چه شکل بود؟

زمانی که شهید باقری به ستاد عملیات جنوب آمد جبهه‌ها وضعیت گنگ و مبهمی داشت. هیچکس از خطوط و وضعیت دشمن اطلاعی نداشت. ایشان اطلاعات عملیات را در همه محورها راه انداخت. یکی از محوره‌های اصلی در اولین سال‌های جنگ که مقاومت زیادی کرده بود آبادان و خرمشهر بود و ایشان اهمیت تشکیل اطلاعات عملیات در این منطقه را فهمیده بود. در خرمشهر احمد فروزنده، آبادان به احمد امیری، شوش شهید زین‌الدین و دزفول شهید سوداگر را به عنوان مسئول اطلاعات عملیات منصوب کردند. آن زمان من در یکی از عملیات‌های شبیخون مجروح شده و در شیراز بودم. وقتی کمی حالم بهتر شد و به جبهه برگشتم، دوستان ما را به آقای امیری معرفی کردند و جانشین ایشان در اطلاعات عملیات شد و با هم آنجا را سازمان دادیم. ایشان تجربه خدمت در ارتش را داشت و با اطلاعات نظامی و نقشه‌خوانی آشنا بود. من از آقای امیری خیلی چیزها یاد گرفتم. همچنین سرگردی در ستاد جنگ ارتش به نام احمد به ستاد عملیات در هتل آبادان می‌آمد و آموزش‌های اولیه را به ما می‌داد. ما وسیع‌ترین محور بودیم و آنجا سازماندهی می‌شدیم.

اگر این سازمان را شهید باقری از همان روزهای اول جنگ تشکیل می‌دادند خرمشهر باز هم سقوط می‌کرد؟ قطعاً خرمشهر سقوط نمی‌کرد. رزمندگان بدون سلاح و تجهیزات بیش از ۳۰ روز مقابل دشمن مقاومت کردند و دشمن تا ندانن مسلح بود و به جبهه برگشتیم، دوستان ما را به آقای امیری معرفی کردند و جانشین ایشان در اطلاعات عملیات شد و با هم آنجا را سازمان دادیم. ایشان تجربه خدمت در ارتش را داشت و با اطلاعات نظامی و نقشه‌خوانی آشنا بود. من از آقای امیری خیلی چیزها یاد گرفتم. همچنین سرگردی در ستاد جنگ ارتش به نام احمد به ستاد عملیات در هتل آبادان می‌آمد و آموزش‌های اولیه را به ما می‌داد. ما وسیع‌ترین محور بودیم و آنجا سازماندهی می‌شدیم.

اگر این سازمان را شهید باقری از همان روزهای اول جنگ تشکیل می‌دادند خرمشهر باز هم سقوط می‌کرد؟

قطعاً خرمشهر سقوط نمی‌کرد. رزمندگان بدون سلاح و تجهیزات بیش از ۳۰ روز مقابل دشمن مقاومت کردند و دشمن تا ندانن مسلح بود و به جبهه برگشتیم، نگه‌داشتند و اگر امکانات و تجهیزات و اطلاعات کامل بود وضعیت به شکل دیگری رقم می‌خورد. آن زمان حتی بی سیم عادی هم نداشتیم تا از وضعیت نیروها در خیابان کناری اطلاع بگیریم. اگر امکانات و سازماندهی وجود داشت وضعیت

دفاعی و نظامی‌ما هم تغییر می‌کرد. با این وجود نیروها با روحیه و صلابت با اسلحه مقابل تانک و توپخانه می‌جنگیدند. خودم در جاده آبادان آربی‌جی‌زن بودم. دو گلوله من و دو گلوله کمکم داشت. با همان چهار گلوله دشمن را عقب راندم و اگر گلوله‌های بیشتری داشتم بهتر می‌جنگیدم و تلفات بیشتری از دشمن می‌گرفتم. قطعاً اگر مهمات و سلاح بیشتر بود می‌توانستیم از پیروشی دشمن جلوگیری کنیم. برنامه و سازماندهی هم نداشتیم. مردان و زنان شریفی داشتیم که بدون سازماندهی با دست‌های خالی می‌جنگیدند. نباید نقش زنان را در مقاومت خرمشهر نادیده بگیریم. همسران رزمندگان همراه شوهرانشان بودند و به آنان دلگرمی می‌دادند. رزمندگانی داشتیم که در شهر دیگری ازدواج کردند و حمله عروسی‌شان را به آبادان، شهر در محاصره آوردند. این همراهی و روحیه بالا خیلی مهم بود.

نقش زنان در دفاع و آزادسازی خرمشهر خیلی مهم است. حتی بسیاری از زنان در کارهای امدادی و پشت جبهه هم فعال بودند.

آن زمان به خاطر وضعیت جبهه و خط، زنان بیشتر به مسائل فرهنگی و امدادی مشغول شدند. آنها آموزش‌های اولیه را دیده بودند در بیمارستان‌های آبادان و خرمشهر مشغول شدند. حساب کنید دخترهای ۱۷ و ۱۶ ساله با شهید مقدسی شده چطور برخورد می‌کردند و چه روحیه‌ای داشتند. بانوان بسا صلابت کارهای امدادی را انجام می‌دادند یا شهپدارا جبهه‌جا می‌کردند. باعث شدند امدادرسانی به رزمندگان در شهر محاصره خیلی خوب انجام شود. وقتی شهری در محاصره است زندگی در آن به‌سادگی و راحتی نیست. وضعیت آب و غذا و برق مشخص نیست دیگر چه برسد به وضعیت امدادسانی ولی زمان جنگ همه اینها در آبادان بود. ستاد عملیات جنوب کارها را طوری سازماندهی کرده بود که با امکانات کم و به وسیله لنج و جاده پارکی که باقی مانده بود همه چیز به شهر آورده می‌شد. حتی مادرها و خواهر و خانواده‌ها حاضر نبودند از شهر خارج شوند و داوطلب انجام کار بودند. زمانی که امام حکم کرد که از شهر خارج شوید باز برخی از بانوان که مسئولیت امدادی داشتند در شهر ماندند و به رزمندگان کمک کردند.